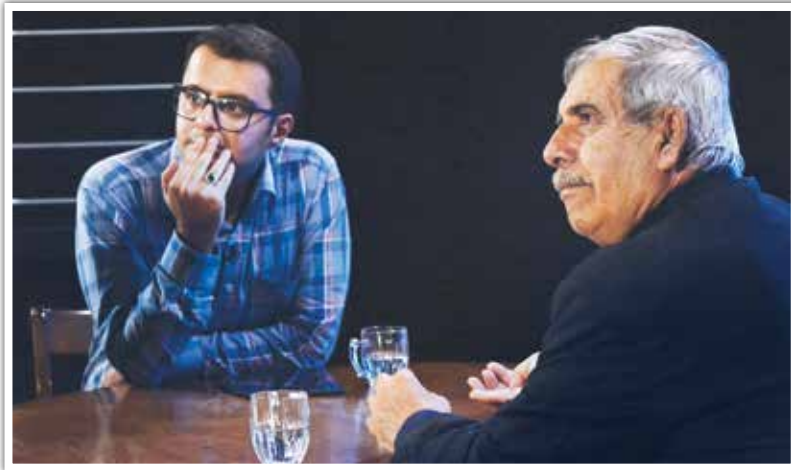


”

اساتیدمان در زمینه پژوهشی بسیار قوی کار می‌کنند؛ ولی خیلی می‌ترسند وارد بازار بشوند دانشجویها هم همین‌طور بار آمده‌اند به نظر من دانشجویی که فارغ‌التحصیل شده است نباید در این مملکت با این همه منابع بیکار باشد

”

ما الان داریم دوتا محصول تولید می‌کنیم. صادرات هم داریم یکی اوره آهسته رهش به‌عنوان خوراک گوسفند که صد گرم از این را می‌زنیم به جای یک کیلو سویا. من الان روزی چهل تن از این داریم تولید می‌کنم زمانی که این را تولید کرده بودیم از یک شرکت آمریکایی وارد این مملکت می‌شد ما که وارد بازار شدیم آن شرکت را از ایران بیرون بردیم



هستند بعد شما فرض کن اوره را که با آب می‌زنید به‌خصوص در شالیزار اوره فوری حل می‌شود و اینها می‌شود نیتريد در آب های زیرزمینی. آب های زیرزمینی را آلوده می‌کند شما باید به‌ازای هر جریب سی تا سی و پنج کیلو از این اوره بزیند؛ اما ما در هر جریب فقط پنج کیلو می‌زنیم. ولی اگر از این اوره آهسته رهش استفاده نکنیم کمبودمان برطرف می‌شود. این دوتا کار خیلی ساده ای است که انجام می‌دهیم.

**می‌توانید بگویید تفاوت کلی کار تجاری و اقتصادی در آمریکا و اینجا در چه چیز است؟ انگار زیربنای کار اقتصادی آنجا خیلی فراهم‌تر بوده و هست و خود مسأله سیاست یا آن همکاری که در حقیقت دولت‌ها باید داشته باشند و یا به‌طور کل خود سیاست‌گذار که باید با مسأله ورود علم به ثروت بشود این چه‌طور بود؟ آنجا را چطور دیدید؟ اینجا را چطور دیدید؟**

واقعاً اصل آنجا بر براعت است بر

کننده به‌صورت کپسول می‌توان استفاده کرد و ما همه را دور می‌اندازیم یا مثلاً در پنجاه ایالت آمریکا به خوراک دام زل مرغ می‌زنند که مملو از پروتئین و فلزات مورد نیاز بدن از جمله روی، مس، منگنز، کوبالت و اینها است که همه برای بدن ما نیاز است. در زل مرغ این مواد فراوان است و حدود بیست و چهار درصد هم پروتئین دارد در ایران چطور؟ استفاده نمی‌کنیم تازه اگر کسی بخواهد استفاده بکند آن قدر قانون های دست‌وپاگیر در سیستم دامپزشکی ما است که طرف را از این کار پشیمان می‌کند، درحالی‌که ما اینجا فقط به عنوان کود استفاده می‌کنیم. کود زل مرغ هم خیلی گرم است درخت را می‌سوزاند.

من این را به بچه های شیمی می‌گویم که واقعاً بایستی شما افتخار کنید که رشته شیمی قبول شده‌اید، با این رشته در هر زمینه ای می‌توانید کار کنید؛ وگرنه من با کشاورز که کار ندارم، دانشجوی که می‌آید می‌پرسم شما مقاله می‌خواهید یا پول می‌خواهید؟ کسانی که دنبال پول هستند می‌روند در کار اپلای پس آنها را شریک می‌کنم الان چندین نفر از دانشجویها کار می‌کنند و شراکت دارند. ده درصد سود کارخانه مال آنهاست، حقوق هم می‌گیرند و وضعشان هم الحمدلله خیلی خوب است. یعنی بیکاری مفهومی ندارد.

می‌خواهم چند تا از مسائلی که الان در این مملکت در حال انجام است، بیان کنم. ما الان داریم دوتا محصول تولید می‌کنیم. صادرات هم داریم یکی اوره آهسته رهش به‌عنوان خوراک گوسفند که صد گرم از این را می‌زنیم به جای یک کیلو سویا. من الان روزی چهل تن از این مواد تولید می‌کنم زمانی که این را تولید کرده بودیم از یک شرکت آمریکایی وارد این مملکت می‌شد ما که وارد بازار شدیم آن شرکت را از ایران بیرون بردیم.

یا مثلاً شما فرض کنید در کشور ما اکثر خاک ها قلیایی